





بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صَدْرُ الدِّينِ مُحَمَّدِ الشَّيرَازِيِّ

فَلَا صَدْرًا

(۱۰۵۰-۹۷۹ هـ.ق)

التَّبَيُّحُ فِي الْمَنَظُومِ

بامفتخمة

دکتر احد فرامرزی قراقر



بنیاد حکمت اسلامی صدرا

التنقیح فی المنطق

تألیف: صدرالدین محمد شیرازی (ملا صدرا)

تصحیح و تحقیق: غلامرضا یاسی پور باشراف استاد سید محمد خامنه‌ای

مقدمه: دکتر احد فرامرز قراملکی

چاپ اول، بهار ۱۳۷۸، ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی چاپ و صحافی:  سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی ضلع شمالی مصلاهی بزرگ تهران،

مجتمع امام خمینی (ره)، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

ستاد برگزاری همایش جهانی بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین (ره)

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹، تلفن: ۲ و ۸۱۵۳۴۸۱، دورنگار: ۸۸۳۱۸۱۷

Email: Mullasadra@www.dci.co.ir

home page: www.mullasadra.org

حق چاپ برای بنیاد حکمت اسلامی صدرا محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيمِ

الحمد لله الذي خلق الخلق بقدرته الفائقة، ودبر الأمر بحكمته المتعالية، و أنار العقول بشواهد الربوبية، و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا هو. و خير الصلاة و السلام و أفضل التحيات على سيد الأنبياء و معلّم الحكماء محمد المصطفى ﷺ و على أهل بيته المعصومين و صحبه الصالحين وارثي الحكمة العرشية و مشاهد المظاهر الإلهية.

از دیرباز، سرزمین ایران گاهواره تمدن و قلمرو علم و حکمت بود که ظهور و طلوع آیین مقدس اسلام و تعالیم آزادیبخش و آزاده پرور آن، به این تمدن بالنده بشری چهره بهتر و جمال بیشتر بخشید و در فروغ آن، درخت کهنسال حکمت و دانش برگ و بار تازه یافت و میوه حیاتبخش و سعادتساز خود را به همه جهانیان ارزانی داشت.

تاریخ تمدن بشری گواهی می‌دهد که همواره رشد و توسعه علمی و فرهنگی و پویایی و شکوفایی فلسفه و علم و هنر و درخشش استعدادها همراه و در سایه آزادی و از برکات استقلال بوده است؛ از اینرو پدیده بینظیر تاریخ معاصر، یعنی انقلاب پُرشکوه و کبیر اسلامی ایران، که آزادی و آزادگی را به این ملت باز گردانید و افتخار استقلال و سرافرازی را نصیب این ملت کرد، همزمان، به رشد و حرکت علمی و توسعه فرهنگی نیز یاری بسیار نمود. بدین لحاظ است که همایشهای پژوهشی فراوانی در این مدت برپا گردید و زمینه‌های مساعدی برای تحقیقات علمی و فلسفی و تصحیح و تهذیب و معرفی میراثهای کهن فرهنگی و تألیف کتب و ارائه مقالات تحقیقی

فراهم آمد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر این شکوفایی و حرکت پرشتاب فلسفه و علم در ایران، شخصیت بیمثال بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رحمته بود که حاکمی حکیم و رهبری عارف و فرزانه، و فقیه و حقوقدانی برجسته بشمار می‌رفت؛ و این پدیده، یکبار دیگر اهمیت نقش حکمت و دانش رهبران را در حسن اداره جامعه به اثبات رساند. در کنار تحولات اجتماعی گسترده دو دهه گذشته ایران - که سبب فراهم آمدن زمینه تحقیق و نشر دانش و بویژه علوم انسانی شد - کوشش به عمل آمد تا غبار فراموشی از چهره بسیاری از بزرگان حکمت و دانش زدوده شود و علما و حکما و عرفا و شعرای بزرگ اسلامی و ایرانی در سایه همایشهایی کوچک یا بزرگ به جامعه ملی و بشری معرفی گردند.

در این میان ضرورت اقتضا داشت که شخصیت بزرگ و بیهمتایی همچون حکیم صدرالدین محمد شیرازی ملقب به «صدرالمآلهین» و مشهور به «ملاصدرا» نیز - که فیلسوف، قرآن شناس، مفسر، علامه حدیث‌شناس و محدث بزرگ اسلامی در قرن دهم و یازدهم هجری است - به جهانیان شناسانده شود و آثار بیمانند او با کاملترین و بهترین صورت تصحیح و مقدمه‌نگاری و پاورقی نویسی و ویرایش گردد و با چاپی شایسته در دسترس مشتاقان حکمت و تفسیر و حدیث و معارف اسلامی و بشری قرار گیرد.



اهداف عالیة فرهنگی و علمی و فرمان مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای - دام ظلّه - بدین ضرورت جامه عمل پوشانید و ستادی برای برگزاری همایش جهانی بزرگداشت حکیم نامور، ملاصدرا برپا گردید و گروههای بسیاری با شرکت اساتید حوزه و دانشگاه در رشته‌های فلسفه و منطق و حدیث و تفسیر گرد هم آمدند و در کنار دهها فعالیت سازنده، مانند نشر مجله فلسفی، ارتباط با محافل علمی جهان از راه شبکه‌های رایانه‌ای، انجام امور هنری، فراخوان مقالات در سطح جهان و چاپ و نشر آنها، ترجمه و معرفی کتب آن حکیم به زبانهای مشهور بیگانه و ترجمه آن به زبان فارسی، و بسیاری کارهای ضروری دیگر برای برگزاری باشکوه و اثربخش این همایش، به کار تصحیح انتقادی کتب و رسائل صدرالمآلهین نیز اهتمام شد.

امتیازهای تصحیح انتقادی این ستاد در چند عنوان خلاصه می‌شود:

۱. این کار با رعایت اصول تصحیح انتقادی و سازواره‌های دقیق انجام گردیده است؛ اصولی که ایین نامه آن در همایشی کوچک به وسیله همین ستاد و با شرکت متخصصان و استادان تهیه شد، و می‌توان آن را معیار (استاندارد) تصحیح در کشور شمرد که با وجود کارایی لازم از شیوه‌های غربی نیز پیروی نکرده است.

۲. مایه تصحیح متون در میان صدها جلد نسخه خطی از بهترین و معتبرترین نسخ خطی فراهم گردیده است که برخی بخط خود مؤلف یا بازماندگان او یا با تصحیح و مقابله آنها بوده، و برخی از این نسخ حتی در فهرستهای چاپ شده کتابخانه‌های عمومی هم دیده نشده و از طریق کتابخانه‌های شخصی بدست آمده است. در مرحله بعد، کار نسخه شناسی و درجه بندی و ارزیابی این نسخ در جلساتی بتوسط کارشناسان فن به انجام رسید.

۳. کوشش شده است روش تصحیح، علامتگذاری، نوع و قلم حروف، کاغذ و قطع و جلد و صحافی تمام کتب و آثار این حکیم هماهنگ و به یک شکل باشد.

به این مرحله بیش از حد معمول تکیه شده است؛ و راجع به خصوصیات ظاهری کتب، مانند قطع و صفحه‌بندی و آرایش و جلد، و بویژه درباره‌ی گزینش حروف دقت بسیار گردیده، و با نظر کارشناسان امور چاپ و نشر کتاب، مدتی نسبتاً دراز بررسی به عمل آمده تا سرانجام حروف کنونی و سایر مشخصات کتاب حاضر به تصویب و اجرا رسیده است.

۴. ویراستاری یکی از امتیازات دوره معاصر است که این ستاد تلاش کرده است آن را بنحو شایسته‌ای سازمان دهد و با هماهنگی نزدیک با مصححان محترم به انجام رساند: کتب و آثار مذکور پس از انجام تصحیح بتوسط محققان و اساتید حوزه و دانشگاه از صافی دو ویراستاری گذشته است، یکی ویرایش ادبی و دیگری علمی؛ که برای هماهنگ شدن روش کار در این زمینه نیز همایشی با شرکت متخصصان تشکیل شد تا بهترین، دقیقترین و سریعترین روشها فراهم و تدوین و تصویب و عملی گردد. البته در موارد معدودی بین ویراستاران و مصححان محترم در گزینش صحیحترین واژه یا عبارت اختلاف نظر وجود داشته که در چنین مواردی نظر مصحح اعمال شده است.

۵. نکته دیگری که در تصحیح و طبع و نشر کتب علمی در ایران تازگی دارد، تکیه بر فارسی

بودن مقدمه و پاورقی‌هاست، که نزد تمام ملل دیگر نیز معمولاً ملاک انتخاب زبان مقدمه و پاورقیها، زبان ملی کشور است نه زبان کتاب، هر چند نویسنده کتاب آن را به غیر زبان ملی خود نوشته باشد. و بدور از تعصبات زبانی و ملی، این یک روش منطقی و قابل قبول بود که در عمل مورد پذیرش قرار گرفت.

جز این نکته که شیوه همگانی ملل بوده است، در بیشتر شیوه‌های تصحیح تلاش شده است که روشهای مورد نظر ابتکاری ما تابع سنن مذهبی و ملی باشد و از تقلید بی‌منطق دیگران پرهیز شود؛ از اینرو شیوه تصحیح و درج پاورقیهای مربوط به نسخه بدلها نیز یک روش مستقل و دور از تقلید است.

۶. تعداد نسخی که پایه تصحیح قرار گرفته‌اند ده نسخه از بهترین و معتبرترینها بوده و ذکر نسخ دیگر ضرورت نداشته است؛ و در صورتی که تعداد نسخ موجود کمتر از ده عدد بوده، به مقدار موجود توجه شده است.



این ستاد خوشوقت است که می‌تواند با عرضه کتب فلسفی، منطقی، قرآنی و حدیث حکیم عالیقدر صدرالمتألهین شیرازی، وی را به بهترین و کاملترین صورت ممکن و بشکلی بیسابقه به اندیشمندان و محققان جهان و ایران - ضمن معرفی برکات اسلام و خدمات دانشمندان ایرانی به حکمت، علم و تمدن جهان - بشناساند و گامی هر چند کوتاه در این میدان وسیع بردارد؛ و ضمن سپاس از توفیقات ربانی، امیدوار است که این خدمت ناچیز، مرضی خداوند متعال و مقبول حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) و پسند اهل نظر باشد - *إن شاء الله تعالی*.

ستاد برگزاری همایش جهانی

بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین (ره)

فهرست مطالب

مقدمه	سه - هفتاد
جایگاه تاریخی «التنقیح»	پنج
۱. روشهای عمده منطق نگاری نزد دانشمندان مسلمان	شش
۱-۱) منطق نگاری نه بخشی	هفت
۱-۲) منطق نگاری دو بخشی	هشت
۱-۳) منطق نگاری تلفیقی	پانزده
۲. ساختار «التنقیح»	پانزده
۳. تحلیل آراء مآصدرا در منطق	هفده
۳-۱) تعریف منطق	نوزده
۳-۲) اقسام تصوّر و تصدیق	بیست و دو
۳-۳) حمل اولی و حمل شایع	بیست و سه
۳-۴) تعریف حدّ	بیست و پنج
۳-۵) تعریف قضیه	سی
۳-۶) اقسام قضیه حملی	سی و دو
۳-۷) قضایای حقیقی، خارجی و ذهنی	سی و پنج
۳-۸) سالبه المحمول	سی و هفت
۳-۹) تحویل قضایا به حملی موجب کلی ضروری	چهل

مقدمه

باسمه تعالی

جایگاه تاریخی «التنقیح»

التنقیح نوشتار کوتاهی در دانش منطق است که به شیوه منطق نگاری دو بخشی و به عنوان متن آموزشی تدوین شده است. این اثر به ملاصدرا شیرازی (۱۰۵۰/۱-۹۷۹هـ.ق) منسوب است. علاوه بر اسلوب نگارشی، آراء خاص ملاصدرا و سازگاری آن با دیگر آثار وی صحت انتساب را نشان می‌دهد. با روی آورد تاریخی و تطبیقی به تبیین ساختار کلی اثر و تحلیل اهم آراء مؤلف می‌پردازیم.

تحلیل منزلت و جایگاه تاریخی هر اثری و مقایسه آن با منابع سلف و خلف، روی آورد روشنگر در نقد آن است. با اخذ چنین رهیافتی می‌توان میزان تأثیر پذیری آن از منطق یژوهی پیشینیان و چگونگی تطور تاریخی آن در آثار متأخران را شناخت و در باب صحت انتساب آن نیز داوری کرد.

۱. روشهای عمده منطق نگاری نزد دانشمندان مسلمان

دانشمندان مسلمان علم منطق را از طریق انتقال آثار ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پ.م) و شارحان یونانی زبان وی به دست آوردند. آثار ارسطو پس از مرگ وی و به تدریج گردآوری شد. جمع‌آوری آثار منطقی وی قرن‌ها پس از مرگ او و تقریباً پس از تدوین سایر آثارش، در دورهٔ بیزانسی (در حدود ۳۳۰-۳۹۵ م.) انجام شد. شش رسالهٔ ارسطو در این گردآوری مجموعه‌ای را به وجود آوردند که به دلیل تلقی ابزارانگارانه نسبت به دانش منطق، «ارگانون» (Organon) نامیده شد. (کاپلستون، ج ۱، ص ۳۱۵).

نوشتارهای ششگانهٔ ارسطو در ارگانون عبارتند از:

۱. Kategoriai، در آثار عربی: قاطیغوریاس یا المقولات.

۲. Pere hermeneias، در آثار عربی: باری ارمیناس یا العبارة.

۳. Analytika Protera، در آثار عربی: انالوطیقا الأولى یا التحلیلات الاولى.

۴. Analytika hystera، در آثار عربی: انالوطیقا الثانية یا ابودققیقا

[Apodeiktika] یا البرهان.

۵. Topika، در آثار عربی: طوبیقا یا الجدل.

۶. Sophistikon، در آثار عربی: سوفسطیقا یا السفسطه یا المغالطه.

دو نوشتار ارسطو، Rhetorika، در آثار عربی: ایطوریقا یا الخطابة و

Peripoietika، در آثار عربی: بوطیقا یا الشعر، مورد اختلاف بود. کسانی چون

اسکندر افرویدیسی (۲۰۰ م) آن دورا نوشتار منطقی نمی‌انگاشتند؛ اما حکیمان حوزه

اسکندریه، کسانی چون آمونیوس ساکاس و آمپکیولودوتوس، خطابه و شعر را نیز در

خانوادهٔ آثار منطقی ارسطو جای دادند.

فرفور یوس صوری (۲۳۲/۳ - پس از ۳۰۱ م) فیلسوف نوافلاطونی مشرب نوشتار

کوتاهی را به نام ایساگوگه (= مدخل) پرداخت و آن را سرآغاز بخش نخست ارگانون قرارداد. مباحث این نوشتار برگرفته از دو رسالهٔ برهان وجدل بود و از همان زمان نگارش در فهم مفاهیم و آموزه‌های ارگانون راهنمای دانشجویان و منطق‌پژوهان قرار گرفت. به این ترتیب ارگانون یا منطق ارسطو نظام نُه‌بخشی یافت.

۱-۱) منطق نگاری نُه‌بخشی

آشنایی مسلمانان با بخشهای نُه‌گانهٔ منطق ارسطویی به تدریج حاصل آمد. مدخل، مقولات، عبارت و هفت فصل نخست قیاس (تا پایان اشکال وجودی و قیاسهای حملی) تا قرن سوم توسط معلمان مسیحی در مدارس آموزش داده می‌شد. ابن مقفع (۱۳۳-۲۰۰هـ)، ابن بهریز (۱۸۴-۲۴۶هـ) و محمد زکریای رازی (۲۵۱-۲۳۱/۲۳هـ) همین چند بخش از ارگانون را تلخیص کردند. و کندی (۱۹۰-۲۶۰هـ) نیز دربارهٔ همین کتابها سخن می‌گوید. هنگامی که مسلمانان خود ادارهٔ مدارس و امر آموزش را به دست گرفتند، آموزش منطق شامل همهٔ بخشهای نُه‌گانه شد. (ابن ابی‌اصیبه، ج ۲، ص ۱۳۴ و بعد) فارابی (۲۶۰-۳۳۹هـ) و شاگردان وی با مجموعهٔ نُه‌بخشی منطق ارسطو آشنا بودند. (مجتبایی، ص ۲۵ و ۲۶).

بنابراین، منطق نُه‌بخشی نخستین شیوهٔ منطق‌نگاری بود که نزد دانشمندان مسلمان رواج یافت. پیروان این شیوهٔ منطق‌نگاری متناسب با مخاطبان و اهداف تعلیمی آثار متنوعی را به وجود آوردند، مانند ترجمه، تفسیر و شرح، تلخیص، جمع و اختصار، نظم و سرود و تشجیر. مهمترین آثار منطق نُه‌بخشی در دورهٔ پس از فارابی عبارتند از: رسائل اخوان الصفا (ح ۳۶۰-۴۲۱هـ)، شفای بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸هـ)، بیان الحق بضممان الصدق ابوالعباس لوگری (قرن پنجم)، التقریب لحدّ المنطق ابن حزم

اندلسی (۴۵۶-۳۸۴هـ)، آثار ابن رشد (۵۹۵-۵۲۰هـ)، اساس الاقتباس، و منطق التجريد
خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۸هـ)، تعديل الميزان و معيار العرفان غیاث‌الدین
دشتکی (۹۴۹-۸۷۰هـ) و تحفة السلاطین انصاری (سده یازدهم).

۱-۲) منطق نگاری دو بخشی

تأمل مؤثر در ساختار سنتی منطق ارسطویی از آن ابن‌سینا است. اگرچه وی
ارسطو را ستایش کرده و سخن او را کامل و بی‌نقص دانسته^۱ اما الإشارات والتنبیها
او سرآغاز منطق‌نگاری نوین است. روشی که وی تجربه آن را از دانشنامه‌علایی شروع و
در ارجوزه و منطق‌المشرقیین تداوم می‌دهد.

ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲هـ) تحول در منطق‌نگاری را به فخر رازی (۶۰۶-۵۴۱هـ)
نسبت می‌دهد (المقدمة، ص ۴۹۱ و ۴۹۲). گمان ابن خلدون از این واقعیت ناشی شده
است که فخر رازی با شیفتگی کامل به ابتکار بوعلی در منطق‌نگاری نوین پیش از همه
در تهذیب و تکمیل روش وی کوشیده است.

ابن سینا در منطق دو نوآوری دارد: یک - نوآوری در مسائل منطقی^۲؛ دو -

(۱) بوعلی گوید: ای دانشجویان و اندیشمندان نیک تأمل کنید و انصاف دهید آیا پس از ارسطو در این سالیان
دراز که نزدیک ۱۳۳۰ سال می‌گذرد، کسی توانسته است بر منطق وی خرده گیرد یا بر آن چیزی بیفزاید؟ نه
هرگز! ارگانون ارسطو کامل و خلل‌ناپذیر است (الشفا، السفسطة، ص ۱۱۴).

(۲) برخی از نوآوریهای ابن سینا در مسائل منطق را بنگرید به:

سعیدی گل بابا، «ابن سینا و نوآوری و تحول در منطق ارسطویی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های هزاره ابن
سینا، اسفند ۱۳۵۹، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۱۶۰-۱۸۲ و نیز: دانش پژوه محمدتقی، «منطق
ابن سینا»، همان، ص ۱۴۳-۱۵۹.

نوآوری در ساختار منطق‌نگاری^۱. نوآوری دوم محصول دو تأمل ابن سینا در ساختار سنتی منطق‌نگاری است: تأمل نخست مواجهه حذفی با برخی از مباحث منطقی است. به عنوان مثال، وی بخش مقولات را از دانش منطق حذف می‌کند. تأمل دوم عطف توجه به دوگانگی اساسی در متعلق منطق است. منطق ناظر به اندیشه است و آن در اساس دارای دوگانگی است: اندیشه موصل به تصور جدید و اندیشه موصل به تصدیق جدید^۲.

ابن سینا در واقع با الهام از ابتکار فارابی در تقسیم علم به تصور و تصدیق (عیون المسائل، ص ۲ و ۳) به دوگانگی در تفکر که عبور از تصورات و تصدیقات پیشین به تصور و تصدیق جدید است، توجه کرده و آن را اساس منطق‌نگاری نوین خود قرار داده است:

همان‌گونه که علم یا تصور ساده است و یا تصور با تصدیق، متعلق جهل نیز یا امر تصویری است که جز از طریق تعریف قابل شناخت نیست و یا امر تصدیقی است که جز از طریق تعلیم شناخته نمی‌شود. جستارهای دانشمندان در علوم یا در راستای به دست آوردن تصور است و یا در پی حصول تصدیق. بنابراین، منطق دانان متکفل دو امرند: یک - شناخت مبادی قول شارح جتعریف و کیفیت تألیف آن؛ دو - شناخت مبادی حجت جاستدلال و کیفیت تألیف آن. (اشارات، ص ۲).

(۱) تفصیل سخن در خصوص نوآوری ابن سینا در ساختار منطق‌نگاری را بنگرید به: فرامرز قراملکی، احد، «الإشارات والتنبيهات سرآغاز منطق‌نگاری دو بخشی»، «آیینه پژوهش»، ش ۲۴، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸-۵۰.

(۲) ابن سینا در زمان نگارش شفا نیز به دوگانگی در اندیشه توجه داشته است؛ اما به دلیل اینکه در مقام تبعیت از ساختار ارسطویی بوده، نظام نه بخشی را در آن حفظ کرده است.

مراد از دوگانگی اساسی در اندیشه این است که طریق تفکر موصل به تصور از جهت ماده و صورت به طور کامل از طریق تفکر موصل به تصدیق متمایز است. نه از طریق مواد تصویری می‌توان امری را اثبات کرد و نه از طریق مقدمات تصدیقی می‌توان امری را تعریف کرد. از تصور، تصور حاصل آید و از تصدیق، تصدیق. دوگانگی در فکر موجب دوگانگی قواعد و مباحث منطق می‌شود: منطق تعریف و منطق استدلال. نکته‌ای که بوعلی کشف کرد و متأخران آن را مورد نزاع و بحث قرار دادند، امروزه از مسائل بدیهی شمرده می‌شود.

استقلال بخشیدن به منطق تعریف و مقدم داشتن آن بر منطق استدلال حاصل تأمل بوعلی در ساختار سنتی منطق‌نگاری است. مسائل مربوط به تعریف در منطق‌نگاری نه‌بخشی به صورت پراکنده در برهان و جدل بحث می‌شود. برهان به بحث از حد به حسب حقیقت می‌پردازد، و جدل حد و رسم به حسب شهرت و مواضع خلل در آن را تحلیل می‌کند.

حذف و اختصار در صناعات پنجگانه و حصر توجه به مباحث برهان و مغالطه و انتقال مباحث پراکنده عکس از دیگر بخشها به مباحث قضیه و آن را مانند تناقض از احکام و مناسبات قضایا انگاشتن از دیگر نوآوریهای ساختاری ابن سینا است.

تحول ابن سینا در منطق ارسطویی را نباید ساده‌انگارانه در جابجائی، پیرایش و افزایش مباحث حصر کنیم. روی آورد نوین ابن سینا به دانش منطق قرائت نوینی از مبانی و مسائل منطقی را به میان آورد و هندسه معرفتی آن را دگرگون ساخت. مقایسه دو تعریف ابن سینا از منطق در کتابهای النجاة (ص ۸) و الإشارات (ص ۲) به میان آمدن فهم جدید از منطق را نشان می‌دهد.

ابن سینا از متفکران مؤثر در تاریخ اسلام است (فضل‌الله مهدی، آراء نقدية في

مشکلات الدین والفلسفة و المنطق، ص ۲۳۵) منطق‌نگاری نوین وی مورد توجه متاخران قرار گرفت. عده‌ای روش او را ستودند و آن را برگزیدند و عده‌ای آن را فرو گذاشتند و از شیوه‌نابخشی شفا تبعیت کردند.

غزالی (۴۵۰-۵۰۵هـ) از اولین منطق‌نگارانی است که شیوه‌دوبخشی را اخذ کرد. آثار منطقی غزالی، گام‌های آغازین و مبتنی بر آزمون و خطا در این شیوه است. وی در معیارالعلم به ترتیب از قیاس، حد و مقولات بحث می‌کند؛ و در محک‌النظر با حذف مقولات به ترتیب به دو بخش «محک‌القیاس» و «محک‌الحد» می‌رسد؛ و در بخش منطق دو کتاب المستصفی و مقاصد‌الفلاسفة به ترتیب منطقی اشارات (حد و قیاس) می‌رسد. وی در محک و مقاصد مبنای منطق دوبخشی را یادآور شده است: «اقسام و ترتیب جساخترچ منطق با بیان هدف آن روشن می‌شود. هدف منطق حد و قیاس و باز شناسی حد و قیاس صحیح از فاسد است. مهمترین بخش منطق، قیاس است.» (مقاصد‌الفلاسفة، ص ۳۷؛ محک‌النظر، ص ۴-۶).

ابوالبرکات بغدادی (۴۶۸-۵۶۶هـ) اگرچه در آغاز المعترف فی الحکمة تصریح می‌کند «در ترتیب بخشها، مقالات و مسائل دقیقاً از روش ارسطو در آثار منطقی، طبیعی و الهی تبعیت کرده است.» (ج ۱، ص ۴)، اما در نگارش منطق از ترتیب ارسطو عدول کرده و شیوه‌دوبخشی ابن‌سینا را اعمال کرده است. بخش منطق کتاب وی دارای هشت مقاله است. مقاله اول به حد و رسم اختصاص دارد و مقاله دوم و سوم به قضایا و قیاس و سایر مقالات صناعات خمس را به اجمال مورد بحث قرار می‌دهند. وی در حذف مقولات و استقلال بخشیدن به منطق تعریف و تقدیم آن بر قضایا راه ابن‌سینا را در پیش گرفته است.

نخستین تکامل منطق‌نگاری دوبخشی به دست فخر رازی حاصل شده است.

شیفتگی وی به نوآوری ابن سینا در منطق حدیث مفصلی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. دیباچه وی بر الإشارات فی شرح الإشارات، تلخیص او از کتاب اشارات، لباب الإشارات، و نیز استقصاء موارد نوآوری بوعلی در اشارات و تدوین الملخص به روش اشارات همه حاکی از این شیفتگی‌اند. الملخص دارای دوبخش (جمله) است: جمله نخست در کیفیت اقتناص تصورات شامل دو فصلی مقدمات در ایساغوجی و مقاصد در حد و رسم است و جمله دوم در تصدیقات است که سه مبحث قضایا، قیاس و برهان را شامل است. الملخص نه تنها در ساختار کلی بلکه در تحلیل مسائل منطقی نیز پیشرفت مهمی در منطق‌نگاری دوبخشی را نشان می‌دهد.

شیخ اشراق (۵۵۰-۵۸۷هـ) آثار خود را به روش دوبخشی تدوین کرده است. وی بیش از ساختار کلی، در تحلیل مسائل منطقی نوآوری دارد که در بحث از آراء ملاصدرا به آنها خواهیم پرداخت.

منطق دوبخشی در سده هفتم هجری گامهای بلندی را در تکامل و تهذیب برداشت. پیروان معروف منطق دوبخشی در این سده عبارتند از: افضل‌الدین محمدبن نام‌آور خونجی (۵۹۰-۶۴۶هـ)، سراج‌الدین ارموی (۵۹۴-۶۸۲هـ)، اثیرالدین ابهری (۵۹۷-۶۶۴هـ)، ابن واصل حموی، مؤلف نخبة‌الفکر (۶۰۲-۶۹۷هـ)، نجم‌الدین کاتبی قزوینی (۶۱۷-۶۷۵هـ)، قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۱هـ) و شمس‌الدین محمد سمرقندی (۶۳۸-۷۰۴هـ).

کسانی که سده‌های هفتم و بعد به نقد منطق پرداخته‌اند، کتابهای خود را به روش دوبخشی تنظیم کرده‌اند. کتاب الری علی المنطقیین ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸هـ) و نقد الآراء المنطقیة از معاصران نمونه‌هایی از این آثار هستند.

پس از قرن هفتم، منطق‌نگاری دوبخشی رواج فراوان یافت. کتابهایی چون